

چگونه مشمول لطف امام رئوف(ع) باشیم؟



فصل فرشته

حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

داستان های زیادی از مهربانی امام رضا^(ع) گفته شده است. علما و بزرگان درباره صفت رئوف که در مورد حضرت به کار رفته است. صحبت های مختلفی را مطرح کرده اند. علامه طباطبائی^(ره) در این باره می گوید: «همه امامان^(ع) لطف دارند، اما لطف حضرت رضا^(ع) محسوس است» و در نقلی دیگر، بیان می کند: «همه امامان معصوم^(ع) رئوف هستند، اما رأفت حضرت امام رضا^(ع) ظاهر است».

و نیز می گوید: «انسان هنگامی که وارد حرم رضوی می شود، مشاهده می کند که از درود یوار حرم آن امام، رأفت می بارد».

اماد ر زمان حیات حضرت رضا^(ع) نیز این رأفت و مهربانی درباره شیعیان، بروز و ظهور داشته است. این شهر آشوب از موسی بن سيار روايت کرده است که گفت: من با حضرت امام رضا^(ع) بودم و با آن حضرت به شهر توس نزديک شده بوديم که صدای شیون و فغانی شنيديم. دربی آن صدرا فقيهم، ناگاه به جنازه ای برخوردیم. چون نگاهم به جنازه افتاد، دیدم آقایم با از رکاب خالی کرد و از اسب پیاده شد و نزدیک جنازه رفت و او را بلند کرد، پس خود را به آن جنازه چسبانید، آن گونه که بره نوزاد، خود را به مادر می چسباند. آن گاه رو به من کرد و فرمود: ای موسی بن سيار! هرکه مشايعت کند جنازه دوستی از دوستان ما را، از گناهان خود بیرون می شود مانند روزی که از مادر متولد شده است که هیچ گناهی بر او نیست.

چون جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهداند، آقای خود، امام رضا^(ع)، را دیدم که به طرف میت رفت و مردم را کنار زد تا خود را به جنازه رسانید، پس دست خود را به سینه او نهاد و فرمود: «ای فلان بن فلان! بشارت باد تو را به بهشت، بعد از این ساعت دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست».

من عرض کردم: فدای تو شوم، آیا این میت را می شناسید و حال آنکه به خدا سوگند، این سرزمین را تا به حال ندیده و نیامده بودید؟

فرمود: «ای موسی! آیا می دانی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر ما امامان عرضه می شود؟ پس اگر تقصیری در اعمال یکی از آن ها دیدیم، از خدا می خواهیم که او را عفو کند و اگر کار خوب از او دیدیم، از خدا برای او پاداش نیکو درخواست می کنیم». حالا ما باید از خودمان بپرسیم که حال امام از اعمال ما چگونه است؟ آیا وقتی اعمال ما به حضرت عرضه می شود، خشنود می شوند و خداوند را شکر می کنند یا اینکه ناراحت می شوند و برای بخشش ما دعا می کنند؟

با خواندن این ماجرای زیبا، انسان با خودش می گوید کاش من به جای آن شیعه بودم که امام رضا^(ع) چنین پدرانه با او برخورد کردند و بشارت بهشت به او دادند. اما خود حضرت، مسیر این بهشت رضوان را برای شیعیان ترسیم کرده اند و طریقی شیعه واقعی بودن را به ما نشان داده اند. حضرت وقتی عده ای به سراغ ایشان می آیند و خودشان را شیعیان علی^(ع) معرفی و تقاضای دیدار می کنند، آن ها را نمی پذیرند و در این ادعا، دروغگو خطابشان می کنند و به آن ها می گویند:

«و بحکم اینما شیعه الت حسن والحسین وابوذرو سلمان والمقداد وعمار و محمد بن أبی بکر؛ سپس حضرت ابتدا نام امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) را می برند و بعد نام سلمان، ابوذر تا محمد بن ابی بکر، ایشان می فرمایند شیعه ایان اند». در اینجا حضرت ویژگی های آنان را برمی شمارند: «الذین لم یخالفوا شیئا من أوامره، کوچک ترین اوامر علی^(ع) را مخالفت نکردند»، «و لم یرتکبوا شیئا من فنون زواجه، هرچه را ایشان نهی کرد، آن ها هم ترک کردند». یعنی مطیع واقعی حضرت علی^(ع) بودند. «فاما انهم إذا قُلتهم انکم شیعه و انتم فی اکثر اعمالکم له مخالفون، این در حالی است که شما ادای شیعه بودن می کنید و بیشتر رفتار هایتان با رفتار علی^(ع) تفاوت دارد و برخلاف دستورات اوست». «مقصرون فی کثیر من الفرائض، شما حتی در انجام واجباتان، کوتاهی می کنید». «متهاونون بعظیم حقوق إخوانکم فی...؛ شما حقوق بزرگ برادرانتان، کسانی که اخوت فی... دارند، را ادا نمی کنید». «تتقون حیث لاتجب التقیه و تترکون التقیه حیث لاید من التقیه، جایی که نباید تقیه کنید، تقیه می کنید و جایی که باید تقیه کنید، تقیه نمی کنید». یعنی شما پیرو خواسته های دل هستید، باید بدانید کجا باید تقیه کنید و کجا نباید.

با خواندن این جملات باید گفت پس اگر دنبال جلب لطف امام رضا^(ع) هستیم می خواهیم خودمان را شیعه حضرت بنامیم، باید این دستورات را سرلوحه کار خودمان قرار بدهیم و به همین نیت، در انجام وظایف دینی خودمان، کوتاهی نکنیم. آن شاء...!

تمدن نوین اسلامی

دین مبین اسلام هدف خلقت انسان را در وهله اول، کسب رضای الهی بیان می کند و این امر همان معیار اصلی و اخلاقی است که تمام اعمال انسان با آن سنجیده می شود و انسان راستین کسی است که این هدف را محقق سازد و شخصیت کامل از نظر اسلام، شخصیتی است که در تمام قصدها و نیاتش، آن هدف موجود باشد. در سراسر تاریخ تمدن اسلام، این مبنا در رأس امور قرار می گیرد. خواندن تاریخ و سیر شکل گیری تمدن اسلامی برای ما، آموزه ها و عبرت های زیادی دربر دارد، کمالاتی که در قرآن شریف و کلام بزرگان دینی ما نیز به خواندن تاریخ، توصیه های فراوان می شده است.
بیش از نصف قرآن مربوط به تاریخ و تبیین فلسفه تاریخ است، حتی بخش عظیمی از آیات در موضوعات فقهی، کلامی و اجتماعی و... است و از نظر شأن نزول و تطبیق و تعیین مصداق با تاریخ درآمیخته است و جای بحثی برای لزوم خواندن سیر تاریخی تمدن دینی ما باقی نمی گذارد. کتاب مدنظر امروز ما نیز که «تاریخ تمدن اسلامی، نام دارد، به شرح و تفصیل سیر تاریخ تمدن اسلامی می پردازد.

این اثر نوشته علی اصغر رجبی است که به تاریخ تمدن اسلام می پردازد و سعی کرده است از جنبه های مختلف آن را بررسی کند و اطلاعات دقیقی در اختیار مخاطبان علاقه مند و متخصص قرار دهد.

با توجه به ماهیت تکاملی اسلام، قانونمندی تمدن اسلامی و روند پرشتاب بیداری اسلامی ازسویی، و ناتوانی تمدن غرب ازسوی دیگر، اندیشه احیای تمدن اسلامی بار دیگر جوانه زده و انتظارات اسلامی درباره آن عینیت یافته است. لذا بررسی علل اعتلا و انحطاط و راه های جدید تمدن اسلامی، از دیرباز همواره در اندیشه متفکران دلسوز جاری و مطرح بوده و راهکارهای مختلفی نیز برای آن مطرح شده است.

برشی از کتاب:

تعریف از مفاهیمی همچون تمدن و فرهنگ در نزد اندیشمندان، آن قدر متنوع و متعدد است که امکان بیان همه تعریف ها و قضاوت میان آن ها را ناممکن می سازد. از همین رو شاید بهتر باشد به جای تعریف دقیق و شفاف از دو مفهوم «فرهنگ» و «تمدن» و آرزایی آن ها، به دنبال تعریفی عمومی و بیان ویژگی هایی از آن مفاهیم باشیم که بتواند اجمالا تلقی ما از این اصطلاحات را روشن سازد و معنای واژگان را به مخاطبان بفهماند.

تعاریف متعددی از «تمدن» به معنای هستی شناختی آن ارائه شده که هریک، درواقع بر وجهی خاص و کارکردی ویژه از تمدن تأکید دارد. قطعاً تعریفی کامل، جامع و مطلق از تمدن وجود ندارد. دانشمندان قدیم و جدید هریک براساس طرز تلقی و رویکرد خاص خود به موضوع تمدن، تعریفی به دست داده و براساس آن وجه مورد نظر خود به موضوع پرداخته اند.

واژه «تمدن» معانی گوناگونی دارد، اما اصلی ترین معنایی که محققان بر آن اتفاق نظر دارند، شهرنشین شدن و اقامت در شهر است. از دیدگاه واژه شناسان عرب، واژه «مدینه» از «مدن بالمکان و مدونا» به معنای «اقامت» است و ظاهراً شهر را از آن رو «مدینه» گویند که مردم در آن اقامت دارند. اما بعضی، مدینه را از «دان بدین» دانسته و میم آن را زائد گرفته اند! (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۳: ۴۰۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۵۳؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۲۴۴).

«تمدن» در لغت، عکس بداوت (بادیه نشینی) است. معادل آن در عربی، «حضره» (ابراهیم مصطفی، ۱۴۱۰ق، ۸۵۹) و به معنای اقامت در شهر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۲: ۱۰۳). این کلمه در حقیقت عربی است و از ریشه «مدن» و «مدینه» اشتقاق یافته است (عاملی، ۱۳۷۸: ۲۶۴).

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الصَّبْرُ أَنْ يَخْتِمَلَ الرَّجُلُ مَا يَتَوَبُّهُ، وَ يَكْظِمُ مَا يُغْضِبُهُ.

(غررالحکم، چاپ دانشگاه تهران، ج ۲/ ۱۸۷۴)

امام علی^(ع) فرمودند: صبر آن است که انسان مصیبتی را که به او می رسد، تحمل کند و خشم خود را فروبرد.

آموزه های امام هشتم(ع) درباره پدر و مادر

آن ها ریشه تو هستند

حمیده ذاکری می گویند سیره در لغت به معنی روش است و در فقه به معنای استمرار و مداومت در انجام عملی یا ترک آن. برای من و شما اما سیره یعنی سرمشق، سرمشقی که ائمه اطهار^(ع) برایمان به جای گذاشته اند تا از روی آن زندگی کنیم و این چهار روز دنیا را طوری برویم و بیاییم که مورد پسند خدا و نزدیک و شبیه به اهل خدا باشد؛ اهل خدایی که یکی از اهلی ترین و سرشناس ترینشان، علی بن موسی الرضا^(ع)، هم محله ای و همسایه ما است؛ همسایه ای که سیره اجتماعی اش، زیانزد دوست و دشمن بود و آنچه بر زبان آورده و انجام داده اند، امروز برای ما سندی است تا مطایقش عمل کنیم و آن شاء... که سعادت مند شویم. در ادامه به ترک چهار شنبه هایی که به نام آن امام همام متبرک است، جایگاه پدر و مادر را در سیره اجتماعی ایشان بررسی خواهیم کرد.

آموزه های دین اسلام همواره دارای حکمت و فلسفه ای هستند؛ حکمت و فلسفه ای که ائمه اطهار^(ع) گاه در سخنانشان به آن اشاره می کنند. شاید برای شما این سؤال پیش بیاید که چرا در دین ما تا این اندازه به اطاعت از والدین سفارش شده است. بر اساس سیره امام رضا^(ع)، ایشان همواره از پدر و مادرشان اطاعت می کردند و دیگران را نیز به اطاعت والدین امر می کردند. حضرت ثامن الحجج^(ع) نافرمانی و بی توجهی به پدر و مادر را نوعی نافرمانی و بی توجهی به خدا و فرمان شکنی او دانسته اند و درباره نتایج آن هشدار داده اند. ایشان در سخنی در این باره می فرمایند: «پروردگار، نافرمانی والدین را به این دلیل حرام کرد که موجب بیرون رفتن از توفیق اطاعت و بندگی خداوند متعال می شود.» (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۴)

روشن است که هر کدام ما عیب و ایرادی داریم، عیب و ایرادی که حتماً بیش از همه، سبب آسیب به نزدیکانمان می شود. والدین نیز از این قاعده مستثنا نیستند و آن ها هم ممکن است به دلیل داشتن نقطه ضعف یا کاستی در حق ما کوتاهی کنند اما این به معنی مجوزی برای دوری از آنان یا قطع احسان به والدین نیست. امام رضا^(ع) در سخنی، نیکی به پدر و مادر را عملی واجب خوانده و تنها یک ممیز که آن هم دوری از معصیت خداست، برایش قائل شده اند. ایشان در این باره می فرمایند: «نیکی به والدین، واجب است، گرچه مشرک باشند، ولی در معصیت خدا نباید آنان را اطاعت کرد.» (عیون اخبار الرضا^(ع)، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۲۴)

پس از مرگ هم دعا گو باش!

مسلم است که این نعمت های بزرگ الهی همیشه در کنار ما نیستند و ما با توجه به این امر باید تا زمانی که هستند، قدر دان این حضور باشیم و با نیکی به آنان، پاسخی شایسته به محبت و رحمت پروردگار بدهیم و بدانیم که این ارتباط، تنها دنیایی نیست. امام رضا^(ع) در حدیثی مفصل به شرح چگونگی رفتار با والدین پرداخته اند. امام در بخشی از این حدیث، به روزهای نبودن والدین نیز توجه نشان می دهند و می فرمایند: «... بر تو باد که پس از مرگ، آنان را دعا و برایشان طلب رحمت کنی؛ زیرا روایت شده است اگر کسی در حیات پدر، به او نیکی کند ولی پس از مرگش، او را دعا نکند، خداوند او را عاق پدر می نامد.» (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۷)

قدردانی یکی از صفاتی است که موجب تقویت ارتباط عاطفی اعضای خانواده می شود. از دیگر سو ما با قدردانی از افراد، نشان می دهیم که متوجه هر کار کوچک و بزرگی که برای ما انجام داده اند، هستیم اما این، تمام پیام قدردانی نیست. در حقیقت ما با دانستن قدر نزدیکانمان و سپاسگزاری از آن ها، شکر نعمتی را به جای می آوریم که خداوند متعال برای ما روزی کرده است. پدر و مادر بدون شک یکی از نعمت های برتر الهی هستند که باید قدر دانش باشیم. امام رضا^(ع) در این باره چنین می فرمایند: «خدای متعال ما را به سپاسگزاری از خودش و والدین، فرمان داده است، پس کسی که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، خدا را شکر نکرده است.» (بحار الانوار، جلد ۷۲، صفحه ۷۷)

حتما این جمله را بسیار شنیده اید که فرزندان برای والدین همیشه بچه هستند. از این مثل می توان وام گرفت و به این نکته کلیدی اشاره کرد که مادر و پیر والدینمان همیشه در جایگاه پایین تر قرار داریم و نهایت ادب و احترام را باید به خرج بدهیم. تواضع یکی از کلید واژه های رفتار با والدین در سیره امام رضا^(ع) است. آمده است که ایشان چنان در برابر پدر و مادرشان تواضع داشتند که در حضور آنان آهسته سخن می گفتند و به پیروانشان نیز تأکید می کردند و می فرمودند: «در محضرش [در محضر پدر] صدای خود را آهسته گردانی، زیرا پدر اصل و ریشه فرزند و فرزند، بخشی از اوست و اگر پدر نبود، فرزند هم نبود.» (برگرفته از «بررسی حیات اجتماعی امام رضا^(ع)» به نگارش ساجد علی چاندیو)

آیت!... العظمی خامنه ای:

- به هرحال اگر با آب لوله کشی اتصال دارد، کر محسوب می شود؛ وگرنه حکم آب کر را ندارد.
- در صورتی که آب، متصل به کر باشد و همراه ترشحات نجاستی نباشد، پاک است.

آیت!... العظمی سیستانی:

- حکم کر را دارد. ۲. پاک است.

آیت!... العظمی شبیری زنجانی:

اگر این آب به شبکه آب لوله کشی شهری متصل بوده است و مشکوک باشد که اتصالش قطع می شود، حکم جاری را خواهد داشت. اگر جدا شدن این آب از شبکه شهری، قطعی باشد، چنانچه یقین به کریت مقدار آب باقی مانده در لوله باشد، احکام کر را خواهد داشت و در غیر این دو صورت، قلیل خواهد بود.

آیت!... العظمی نوری همدانی:

چنانچه آب قطع و وصل شود، حکم آب کر را ندارد و با آن معامله آب قلیل می شود.

پاکی آب شهری

با توجه به عملکرد شیر خودکار که بین پمپ و شبکه آب شهری نصب می شود، آیا آب داخل لوله کشی ساختمان، احکام آب کر را دارد؟ حکم ترشحاتی که در اثر برخورد این آب با نجاست یا شیء نجس به وجود می آید، چیست؟

پاسخ اجمالی: حکم کلی در این مسئله آن است که اگر در هنگام شستن، اتصال به آب لوله کشی محقق شود، حکم آب کر را خواهد داشت. بر این اساس، با توجه به اینکه معمولاً با باز کردن شیر آب در ساختمان، پمپ به کار می افتد و درپچه شیر خودکار باز می شود و آب ساختمان متصل به آب شهری می شود، آب مصرفی، حکم آب کر را دارد و ترشحات آن در صورتی که عین نجاست در آن نباشد، پاک است؛ مگر آنکه در زمانی کاملاً مطمئن شویم که این ارتباط قطع شده است که در آن صورت حکم آب قلیل را خواهد داشت.